

حزب دمکرات کردستان-ایران و انتخابات ریاست جمهوری در ایران

حزب دمکرات کردستان-ایران (منبع حدک) اخیرا با انتشار بیانیه‌ای در رابطه با دهمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران اعلام موضع کرده و همانطور که انتظار میرفت، اگر چه با بیان ایراداتی به پروسه برگزاری "انتخابات" خود را برای شرکت در این مضحکه که از جانب جمهوری اسلامی سازمان داده شده است آماده میکند. حدک در بیانیه خود از مهدی کروبی یکی از کاندیداهای پست ریاست جمهوری، پشتیبانی کرده است، چون گویا ایشان در برنامه تبلیغاتی خود "ابتکار تازه‌ای" بخرج داده، تامین حقوق اقوام و اقلیتهای مذهبی را در برنامه خود گنجانده است!!.

آمدن عنوان حقوق اقوام در برنامه تبلیغاتی کروبی، حدک را به شعف انداخته تا جاییکه آنرا اقدامی "علنی و بدون پرده" و "گامی مهم" در طرح خواست و مطالبه مردم کردستان مینامد که گویا در طول 30 سال گذشته این برای اولین بار است که از جانب کاندید پست ریاست جمهوری این حقوق اگرچه تحت عنوان اقوام تاکید و طرح میگردد.

حدک که همواره اتفاقات و تغییر و تحولات در بالا به وسوسه‌اش انداخته و سعی داشته که به شکلی و به نحوی در آن ادای سهم کند تا بلکه نصیبی عایدش گردد، اینبار وسوسه خود را در این "انتخابات" با پشتیبانی کردن از کروبی دنبال میکند. دنیا را چه دیدی شاید در بازی قدرت در آن بالا دری به تخته خورد و اینبار نام شیخ از صندوق آرا بیرون کشیده شد و حدک نیز که در این "پیروزی" سهم بوده و پس از "این پیروزی" از الطاف شیخ در تامین حقوق اقوام بهره‌ای ببرد. اما حدک در حین حال میدانند که اکثریت مردم کردستان از کل حاکمیت اسلامی ازهر نوع و قماش که باشند، بیزارند و "انتخاباتش" را نیز مضحکه ای بیش نمیدانند و همچنین میدانند حسابی که بر روی کاندید مورد علاقه‌اش باز کرده ممکن است در کردستان شانس زیادی نداشته باشد، از اینرو بیانیه را طوری تنظیم کرده‌اند که گویا مضحکه بودن "انتخابات" و عدم موفقیت این کاندیدی "مدافع حقوق اقوام و اقلیتهای مذهبی" را از نظر دور نداشته‌اند.

در بیانیه گفته‌اند که انتخابات آزاد و دمکراتیک نیست، گفته‌اند که در نظام اسلامی قدرت مافوق قانون وجود دارد، گفته‌اند که این قدرت امکان برداشتن "گامهای مهم"!! را از رئیس جمهور برای پیشبرد برنامه‌هایش از جمله تامین حقوق اقوام و اقلیتهای مذهبی سلب میکند و گفته‌اند که در روزهای مانده به "انتخابات" (البته پس از این اعلام پشتیبانی) منتظر اقدامات بیشتر

وبرداشتن گامهای بیشتری(حتما قاطعانه‌تری!!) از سوی آقای مهدی کروبی برای در نظر گرفتن سهم بیشتر برای اقوام خواهند ماند.

به برخی نکات مطرح شده تا کنونی بیشتر بپردازیم.

برخلاف گفته بیانیه حزب دمکرات کردستان- ایران ، این اولین بار نیست که از یکی مهره‌های رده‌بالای رژیم اسلامی البته ریاکارانه از تامین حقوق به گفته خودشان اقوام و اقلیتهای مذهبی حرف میزند. بارها از زبان ریز و درشتشان شنیده‌ایم که ریاکارانه از رسیدگی و تامین حقوق مناطق محروم(همان اقوام گفتن کروبی) گفته‌اند. بویژه در زمان برگزاری انتخاباتشان که هزینه‌ای هم در بر ندارد مگر کم ریاکارانه از برابری، تامین عدالت و آزادی و رفاه و امنیت حرف زده‌اند یا میزنند . کروبی هم از این قاعده بازی در "انتخابات" مستثنی نیست. او هم چه شخصا و چه به عنوان گرایشی در درون حاکمیت می‌خواهد و در تلاش است که برای برون رفت از بحرانهای سیاسی و اقتصادی که بویژه در دوره اخیر به قول رضایی کاندید دیگر پست ریاست جمهوری، کشور را بر لب پرتگاه برده است، راه حل پیشنهاد کند و خود و برنامه و سیاست گرایش خود را برای بقاء حیات نظام اسلامی کارساز و مفید معرفی میکند. جوهر اصلی این سیاست تا آنجاکه به بحرانهای داخلی برمیگردد، تلاش برای مهار کردن جنبشهای اعتراضی از درون است. آنچه که در واقع نظام اسلامی را بر لب پرتگاه کشانده است. اقوام کردنهای کروبی در دور اخیر از این سیاست مایه میگیرد و از جمله بار دیگر جنبش انقلابی مردم کردستان را نشانه رفته است و قصد دارد توانایی خود را در مهار این جنبش(البته به کمک بیانیه حدک) و تهی کردن آن از انقلابیگریش را در رقابت انتخاباتی به رخ بکشد و شانس خود را برای بیرون آمدن از صندوقها بالا برد.

اما مشکل شیخ و حدک در این است که این سیاست اگر چه دوره‌ای با آب و تاب به میدان آمد و در بالا در مجلس و در پست ریاست جمهوری جایی برای خود دست و پا کرد و در پایین به درجه‌ای به درون جنبشهای اعتراضی راه پیدا کرد و میرفت که افق خود را مسلط گرداند و سیاست مهار از درون خود را به سرانجام رساند، اما امروز دیگر از این موقعیت برخوردار نیست. در بالا همه شواهد حکایت از این دارند که میل به سرکوب شدید جنبشهای اعتراضی با توجه به گسترش ابعاد آن، در جبهه اصولگرایان تقویت شده و نیرو گرفتن سپاه پاسداران و قبضه کردن قدرت در ایران توسط این نیرو در حال تکمیل شدن است. از اینرو جناح اصلاح طلب در بازی قدرت در بالا بتدریج کم آورد و امروز از شانس زیادی برخوردار نیست. مضافا اینکه این جناح عدم کارایی خود را در مهار جنبشهای اعتراضی به دلایل متعدد

و از جمله به دلیل حضور گرایش انقلابی و رادیکال در این جنبشها نشان داد و از اینرو در پایین هم از شانس زیادی برخوردار نیست.

با این احوال حدک که تغییر و تحول در بالا نه در پایین بیشتر به وجدش میآورد برای ادای سهم در این تحولات چنین تشخیص داده که از کروی پشتمانی کند زیرا فکر میکند از آنجاکه کروی مانند دیگر کاندیدها مستقیماً در مضام اتهام نیست کانال مناسبی برای شرکت در بازی بالاییها میتواند به حساب آید و از طرف دیگر ایشان در برنامه انتخاباتی خود لطف کرده و گوشه چشمی هم به اقوام ساکن ایران و حقوق آنان انداخته‌اند.

اقوام نامیدن ملتهای ساکن ایران اولین قدم در نادیده گرفتن حقوق آنان به عنوان یک ملت است. حکومتهای مسلط بر ایران و از جمله رژیم اسلامی از آوردن نام ملت ابا داشته و مهره‌های ریز و درشتشان همواره از قوم و مردم مناطق محروم به جای آن استفاده کرده‌اند. برای گریز از به رسمیت شناختن ملتهای ساکن ایران و حقوق آنان و تداوم بر ستمگری ملی، "ایران یک ملت واحد متشکل از اقوام و طوایف گوناگون" تعریف شده است. خودداری کروی از آوردن نام ملت و حقوق ملتهای تحت ستم و قرار دادن اقوام به جای آن سیاستی آگاهانه برای تاکید بر این ستمگری ملی است.

30 سال گذشته مردم کردستان برای رفع این ستم و تأمین حقوق پایمال شده خود به عنوان یک ملت، جنبشی انقلابی را سازمان داده و به پیش بردند. جنبشی که علیرغم سرکوب شدید، اعدامهای دسته جمعی، زندانی کردن و اذیت و آزار دادن فعالین این جنبش، تبعید و آواره کردن و کوچ دادن اجباری، بله علیرغم بمباران و توپ باران شهرها و روستاهای کردستان و کشتار مردم بیدفاع، امروز اگر چه با قبول محدودیت هایی در عرصه‌هایی از مبارزات خود، همچنان به عنوان یک جنبش انقلابی در صحنه سیاسی ایران زنده است. تا جاییکه ریز و درشت در دستگاه حکومتی از جمله کروی را که طی 30 سال گذشته سیاست سرکوبگرانه رژیمش را علیه مردم کرد و تداوم سیاست ستمگری ملی را تأیید کرده، وا میدارد تا در مهار این جنبش، کسب موقعیت کند.

حزب دمکرات کردستان- ایران در انتخاب خود مختار است. میتواند بر همان سیاست همیشگی خود مبنی بر چشم براه بودن تحولات در بالا و تلاش برای سهم بری از بالا ادامه دهد، سیاستی که حداقل تا کنون غیر از ضرر عاید دیگری برای این حزب در بر نداشته است. اما آنچه که مسلم است این حزب دیگر توان پایین آوردن توقعات کارگر و زحمتکش کرد را ندارد. این ادعا نه صرفاً به علت وجود و فعالیت دیگر جریان‌های سیاسی بلکه اساساً به توان، ظرفیت

گرایش رادیکال و انقلابی در بطن خود جنبش ربط پیدا میکند و قابل مستدل کردن است. همان گرایشی که نفوذ افق اصلاح طلبی را در جنبش کردستان با مشکل جدی روبرو کرده و از تسلط این افق و سیاستها یش برای مهار جنبش از طریق محدود کردن خواستههایش در رفع ستم ملی ممانعت جدی بعمل آورده است.

با محدود شدن عرصه‌هایی از مبارزات مردم کردستان در دوره چند ساله اخیر ما شاهد گسترش اعتراضات و مبارزات توده‌ای در اشکال و روشهای دیگری هستیم ، آنچه که در سنت دوره گذشته این جنبش جای مهمی را اشغال نمیکرده است. امروز به یمن تحولات اجتماعی که جامعه کردستان از سر گذرانده و همچنین تحولات کل جامعه بشری و تاثیرات آن در کردستان، همزمان با ارتقاء سطح انتظارات و توقعات مردم از زندگی ، ارتقاء سطح دانش و فرهنگ عمومی، شاهدیم که سطح مبارزات و شکل مبارزات برای تامین این انتظارات و توقعات نیز دگرگون شده و ارتقاء یافته است.

چنین واقعیات انکار ناشدنی در جامعه کردستان دو مسیر را پیش پای جریانات سیاسی فعال قرار میدهد. یا باید با درک این واقعیات بدور از جنجال آفرینی از یکطرف و اراده گرایی از طرف دیگر در تلاش هموار کردن راه گسترش مبارزات توده‌ایی و متشکل شدنشان بود و از این جبهه نیرو گرفت و یا واقعیات موجود را ندید یا کم به حساب آورد و سیاست انتظار و چشم امید داشتن به تغییر در بالا را پیشه خود کرد و آنرا با نام "واقعیات و آنچه که ممکن است" توجیه کرد.

حدک که گسترش اعتراضات و مبارزات توده‌ای و رویاروی آشکارتر و گسترده‌تر جنبشهای اعتراضی با رژیم اسلامی به اندازه گفته ریاکارانه کروی به وجدش نمیآورد و برای تقویت جنبش عادلانه مردم کردستان، نه استفاده از این موقعیت بلکه به "گامهای صریح و مهم" کروی امیدوار است، پیمودن مسیر دوم را در برنامه دارد و با بیانیه اخیر خود نشان داد که تا چه اندازه با مسیر مردم و انتظارات و توقعات مردم فاصله دارد.

جمال بزرگپور

2009-5-19